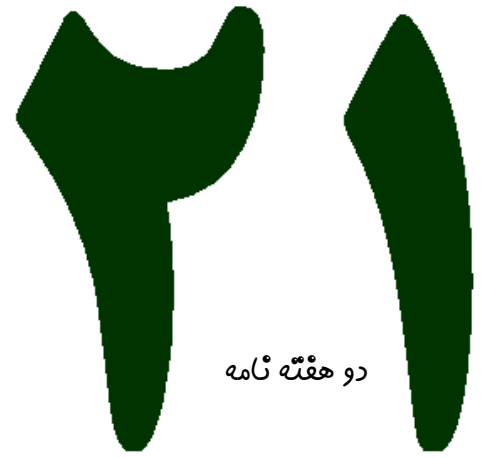




شماره
بیست و سوم



دو هفتۀ نهمه

نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان

2015 جنوری

جدي / دی ۱۳۹۳

شماره بیست و سوم

سال سوم

دوران دوستی دولتیاری ها

نبی ساقی

دولتیار ناحیه ای است نسبتاً وسیع و فراخ در دو کنار هریرود زیبا. فاصله میان «تورتاق تا چکاب» پهناور ترین تصویری از دشت بود که من در روزگار کودکی در ذهن خویش پرورده بودم. آن روزها، روزهای جهاد و جبهه بود و دوران شورش و شور انقلابی. در آن روزها هرچند جنگ بود، بمباران بود، لشکرکشی بود، تشکیل جبهات بود و بلندگو های دستی بود؛ اما در کنار آن دوستی و رفاقت و صداقت و فداکاری و محبت هم بود.

پدرم قوماندان جهادی بود و من از نزدیک، به صورت طبیعی در میان حوادث افتاده بودم. در آن روزها، دولتیار بدون مشکل نبود؛ اما این مشکلات با جلسه و گفت و گو و مذاکره، با محبت و دوستی حل می شد. مرحوم آخوند کلان و مرحوم مولوی جمال آخوند با دیگر ملاهای شنبه مثل آخوند ملام غلام نبی، ملاحسام الدین آخوند، ملا درویش و ملا نصرالله آخوند و همچنان ارباب گل محمد بیگ، میرزا محمدصادق شرشر، استادعیدمحمد خان، ضابط عبدالعلی صالحی، ارباب اکبرخان، میرزا رمضان، حاجی فضل احمد، داکترعبدالرووف و داکتر عبدالجی همای خان، قوماندان غوث محمد مدرسه، در مناطق زی حسین و همین طور قوماندان عبدالرووف خان غفوری و گل احمدخان غفوری در دهمرده، قوماندان لعل بهادر فروتن در پشته نور و محمدنسیم کهزاد و میرزا علم مومنیار در سمک و مرحوم پیرمحمد خان خانزاده و سید نظام الدین جان سبزک از بزرگانی بودند که من نام های شان را بسیار می شنیدم و جلسات و دیدوبازدید های ایشان را با پدرم شاهد بودم.

آن روزها مردم دولتیار به خاطر رای دادن به فلان عین وغین و یا به خاطر دو لیتر تیل موتر سایکل و یا به خاطر مثلاً زی حسین و مرغابی و تیمنی و دهمرده با همدیگر رقابت نمی کردند. آن روزها روزهای بود که دولتیارها با خاطر همدیگر حتا جان های خود را از دست می دادند و افتخار هم می کردند. یادم می آید که استاد عید محمد خان در سنگر جنگ، در کنار پدر من زخمی شده بود. یادم می آید که ملاهای شنبه با چه دلسوزی ای تلاش می کردند کشمکش های میان قوماندان ها را به صلح و دوستی بدل سازند. یادم می آید که از جاهای مختلف دولتیار و دیگر نقاط غور، مجاهدین و قوماندان ها به «بازار یمه گگ» می آمدند و سلاح ومهمات می بردند.

آن روزها در حالی که روزهای جنگ وجبهه بود، بزرگان دولتیار باهمدیگر بسیار رابطه صمیمانه و مخلصانه داشتند و هدف شان جز پیروزی جهاد مردم افغانستان و دفاع از سرزمین شان چیز دیگری نبود.

امروزه اما؛ مردم دولتیار خود شان را به اقوام و قبایل وطایفه های کوچک تقسیم کرده اند. یکی خود را نماینده زی حسین می داند، یکی به تیمنی افتخار می کند، یکی دهمرده است و یکی هم مرغابی وغیره. آن روزها مردم دولتیار کلان تر فکر می کردند وهدف بزرگ داشتند. آن روزها روزهای دوستی و رفاقت بود. آن روزها مردم دولتیار شاد و خوشحال زندگی می کردند و در عروسی ها و عید ها با همدیگر نشست و برخاست داشتند و از آواز دوتار حنیف ولی زاده لذت می بردند.

آیا دولتیارها دوباره به آن صمیمت ومحبیت برخوانند گشت و کسی پیدا خواهد شد که «فصل ها» را به «وصل ها» تبدیل کند و دوستی ها را دوباره به دره ها برگرداند؟

منتظر می مانیم!



جوانان و انتخابات پارلمانی

انتخابات شورای ملی کشور در سال آینده برگزار خواهد شد. بدون شک در انتخابات تعداد کثیری از شخصیت ها خود را نامزد خواهند کرد. در دوره قبلی جوانان غور در انتخابات ها به عنوان بازیگر نقش فعالی بازی نکردند و یا نتوانستند. در انتخابات پیشرو، شنیده می شود که تعدادی از جوانان و تحصیلکرده ها نیز به عنوان نامزد اشتراک خواهند کرد. در دوره های گذشته نمایندگان غور، آن گونه که خواست وتوقع مردم بود فعالیت چشمگیری برای این سرزمین درد کشیده انجام داده نتوانستند و بیشتر وقت شان را به کشمکش های شخصی و سلیقه ای و رقابت های انجویی سپری کردند و فعالیت های شان از تبدیل کردن فلان مامور پایین رتبه، بالا تر سوق نیافت. به اساس گزارش رادیو آزادی و به قول نجیب الله اوژن وزیر فواید عامه پیشین، پروژه ساخت سرک هرات- غور نیز که تاثیری بسیاری بالای زندگی مردم داشت به خاطر اختلافات همین و کلا، منحل گردید. آیا جوانان با توجه به تحصیل وتوانایی هایی که دارند و به خاطر دخیل نبودن شان در مشکلات ذات الیینی گذشته می توانند به شکل خوب از مردم غور نمایندگی کنند؟ اگر مردم به جوانان اعتماد کنند و به آنها رای بدهند این موضوع به سرعت روشن خواهد شد.

دقیقه ۹۰، چاپ شد

مجموعه اشعار استاد ساقی تحت عنوان دقیقه ۹۰ به همت انجمن فرهنگی جهانداران غوری در کابل چاپ شد. در این اثر تعدادی از غزل ها، دوبیتی ها، رباعی ها و سپید های شاعر گرد آوری شده است. قصه شهر فیروزکوه، عشق گمشده و دوبیتی های مردمی غور از آثار دیگر این نویسنده است که پیش ازین به چاپ رسیده است. همچنان ساقی کارهای مشترکی با دیگر نویسندگان به نام های برگهای از یک فصل و اسلام، زنان وصلح نیز دارد و همچنین دوبیتی های ملنگ صمد، گلزار عاشقان و تعدادی دیگر، از کتبی هستند که به کوشش استاد ساقی پیش ازین چاپ شده اند. وی در حال حاضر به صورت داخل خدمت، در سمستر پنجم دوره ماستری خویش در کابل مشغول تحصیل می باشد و قرار است که دروس خویش را تا ماه حمل سال ۱۳۹۴ به پایان برساند.



دین و سیاست

وقتی که سیاست خواهر ومادر و به قول یکی از دوستان(زن و شوهر) ندارد، وقتی که در سیاست همه چیز حول محور منفعت می چرخد، وقتی که در سیاست اساس کار، رسیدن به قدرت و حفظ قدرت است، وقتی که در سیاست منافع مردم فدای منافع سیاستگر می شود، وقتی که در سیاست دوست دایمی و دشمن دایمی وجود ندارد؛ بلکه منفعت دایمی وجود دارد، وقتی که درسیاست معامله و دورغ و فریب، برای حفظ منافع توجیه می شود، وقتی که سیاست وقدرت تمام ارزش ها را فدای منفعت و مصلحت می کند، پس در این صورت، دین وسیاست چه گونه می توانند (به تعبیر آیت الله مدرس) عین هم باشند؟ در دین به باور ما دینداران، ارزش های دایمی در میان است، منافع عمومی مطرح است، خیر وفلاح انسان مطرح است، رضای خداوند مطرح است. در دین عدالت و مساوات اصل است، در دین منفعت طلبی و سود جویی قبیح است. در دین خطوط قرمزی وجود دارد که به هیچ بهانه ای نمی توان از آن ها صرف نظر کرد. با این حساب، آیا دینداران می توانند سیاست هم بکنند؟ بدون شک پاسخ مثبت است. بلی دین داران هم می توانند سیاست بکنند، همان گونه که می توانند نجاری بکنند، همان گونه که می توانند تجارت بکنند، همانگونه که می توانند مسافرت بکنند. منتها سیاست ورزی دینداران باغیر دینداران این تفاوت را دارد که دینداران در هرکار شان و ازجمله در سیاست شان منافع مردم و رضای پروردگار را همیشه باید در نظر داشته باشند؛ اما اینکه واقعا زد و بند ها و منفعت طلبی های سیاسی یا به تعبیر دکتر سروش « ادب قدرت» اجازه می دهد که دینداران سیاستگر، در کار های خویش، خدای خود را بالای سر شان احساس کنند، مدعای هست که باور کردن اش حجت می خواهد.

اگر گفته شود که در زمان خلفای راشدین به طور مثال، سیاست مسلمانان بر منبج عدل و نیکویی استوار بود و این نشان می دهد که سیاستگران مسلمان می توانند به بهترین شکل سیاست ورزی را پیشه کنند، این سخن درستی هست، اما متأسفانه واقعیت این است که ما مسلمانان امروزه نه با چنان بزرگان با تقوایی بلکه با سیاستگران نظیر نواز شریف، جنرال سیسی، پرویزمشرف، صدام حسین، بشار اسد، ملک عبدالله، سیدعلی خامنه ای، محمد اشرف غنی، محمودعباس، ملاعمر، شیخ محمد محقق و امثالهم سر و کار داریم و اینکه این افراد چه قدر در کارهای خود از بزرگان صدر اسلام پیروی می کنند، موضوع قابل تأمل و تعمقی می باشد. رویداد ها و حوادث مثل جنگهای جمل، صفین و نهروان و همین طور موضوع « حکمیت»، قضیه صلح حضرت حسن، شهادت امام حسین و یاران اش در کربلا، سرکوب قیام عبدالله ابن زبیر و تخریب کعبه شریفه توسط حجاج بن یوسف سرلشکر عبدالملک بن مروان خلیفه اموی وهزاران مثال دیگر همه نشان می دهد که سیاست حتا از همان آغاز، قربانی های گرفته و ارزش های را زیر پای کرده است. بی جهت نبود که بزرگان و امامانی مثل حضرت ابوحنیفه و امام احمد حنبل و امثال ایشان از سیاست این همه روی گردان بودند و خودشان را از سیاست دور می گرفتند. آنها می دانستند که سیاست و قدرت فساد آور است و بهتر است که به عنوان پیشوایان دینی خود شان را از آن دور بگیرند. آیا زمانی که امام اعظم ابوحنیفه (رح) با آن درجه از تقوا، علمیت و دانش نخواست در کنار قدرت وسیاست باشد و خود را از آن گوشه گرفت و از طریق درس و تعلیم به ارشاد وتبلیغ پرداخت، آیا بر ما انسان های منفعت طلب و کم دانش شایسته است که به سیاستگری وقدرت طلبی رو بیاوریم و خود مان را اسیر چنگال ثروت و قدرت بسازیم و از محاسبه روز حساب، غافل باشیم؟

روز معاش مامور



دهکده ام

در دهکده ام واژه تزویر زیاد است
تکریم به انسان نفس گیر زیاد است
در خاطره ام حادثه ای ناله و افغان
از هر نظری، بغض گلو گیر زیاد است
این خانه ویرانه و این میز شکسته
در مدرسه ام واژه تحقیر زیاد است
کفاش سرکوچه ما، مرد بزرگی ست
افسوس که کفش دل ما، چیر زیاد است
صوت وسخن آهنگ طرب خانه شهرم
فریاد غم انگیز زن پیر، زیاد است
در معبد آن صوفی واز نام شریعت
خون، می شده از هیبت تکبیر زیاد است
تاریکی شب خجالتی دارد به نگاهش
از بس که سیاهی شب قیر زیاد است
در بییشه که قطع شده، جمله چنارش
رویه برون جسته که هی! شیر زیاد است
از نام عدالت به زبان حرفی ننگتی
از ترسی که هی! مفتی و تکفیر زیاد است
عزب به قلم رخت سفر بسته ازین شهر
کوهین تو خموش باش که درگیر زیاد است

نثاراحمد کوهین

رامین مظهر

هم بسته تارند و هم وابسته باندن
کاغذپرانهایی که می‌گفتند آزادند
آهویم و در اینطرف ببری کمین کرده
در آنطرف... آنها که می‌بینید سیاندن
با سبب دیگر ای خدا، راهی جنت کن
آنها که با سیبی به این گرداب افتادند
در خواب دیدم زایمان دارند ماهی‌ها
در بین دریای پر از خون مار می‌زادند

با سوزنی یک روز می‌ترکند، خواهی دید
بوفانه‌هایی که همیشه غرق در باندن

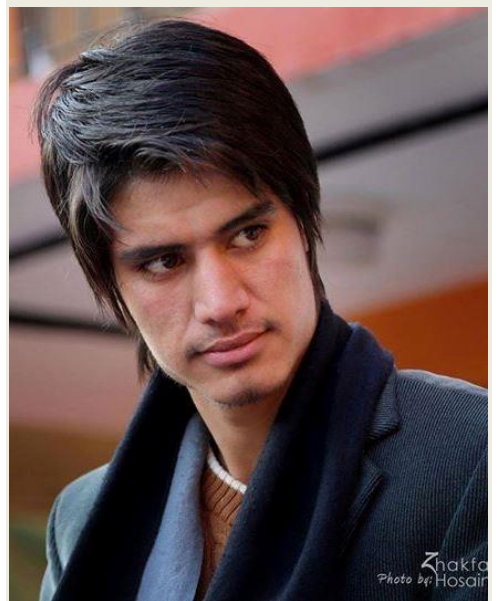


Photo by Hosain

بسیار خوشحال بودم. امروز قرار بود معاش یک ماه مان را بدهند. چند هفته می شد که انتظار کشیده بودم و هر روز سر جای ده بجگی از تحویلدار رشید پرسیده بودم «از معاشا چه خبر؟» چیزهای بسیاری بود که درخانه نبود و من آرزو داشتم که یک شام باخودم آنها را بیاورم. صبح، وقتی از اتاق بیرون شدم فرشته صدا زد «سهراب!» درحالی که داشتم کفشهایم را با دستمال کهنه، کنار در ورودی پاک می کردم گفتم: بلی بفرما. «امروز بخیر معاشای خوده که گرفتی تمام سودا ره بیا. جای خلاص شده... روغن خلاص شده ... برنج هاهم کمی مانده، فقط امشبه شاید بشوه، پیازونمک هم نیست و اُتو هم خراب شده دیگه کارنمیته... ها راستی دیروز نانوا، چوب خطه دوباره به حمید نداده و قید کده که پولشه بیارین، چهارهزار وششصد رویه میشه.» گفتم معاشه که گرفتم یک چاره می کنم انشاءالله. فعلا خدا حافظ. دم در حویلی که رسیدم صدای فرشته از درون خانه به گوشم رسید که «بچه ها قلم و کتابچه ندارند یادت نروه که مرگ موش هم بیاری که شب تا صبح از دست موش ها خَو نداریم.» پیش ازاینکه جوابش را بگویم از حویلی برآمدم و در را بستم.

قبل ازچاشت کارزیاد بود. مراجعین صف کشیده بودند. سه چهار بار صادره وارده را اشتباه رساندم. چند جای کتاب سفید کن خورده بود. میرزا سعید با لحن تندی گفت که سهراب از شوق معاش مثلی که بیخی دست وپای خوده گم کرده ای؟ خراب کدی کتابه! چیزی از دوازده گذشته بود که دفتر کم کم خلوت شد. کمی آب از بشکه زرد یک منه، داخل کتری انداختم و گذاشتم سر پکنیک گاز تا جای شود. کمی نان از ازخانه به گوشه پتوی خود آورده بودم. نهار بچه های دفتر ما همین بود. بعضی چاشت ها کمی کیک و کلهجه هم می گرفتیم. روز سه شنبه پانزدهم میزان روز تولد دختر ریس بود. او به همان مناسبت به ما هم کمی شیرینی گرفته بود. جای که دم شد میرزا سعید گفت اینه سهراب کلید الماری دوسیه های پارساله بگیر و همو کیک های ره که ریس صاحب آورده بود بیا تاهمراه نان بخوریم. نمازپیشین را خوانده بودم و تازه سرچوکی رنگ و رو رفته پشت میزمشترک با معجد خان نشسته بودم که تلفونم زنگ آمد. دیدم فرشته است.

- بلی؟ سلام چرا زنگ زدی؟

- سلام، سهراب! بیشتر برقی ها آمده بودند لین برقه قطع کردند که پول برق تان دو دوره است که خلاص نشده اگه معاشا ره گرفته ای پوله زود ببر که امشب نوبت سریال «پولاد علمدار» است.»

- درسته خدا حافظ.

ساعت هنوز ۲ نشده بود. دفتر از مراجعین خالی بود. با استفاده از فرصت قلم و کاغذ را گرفتم که یادداشت کنم چه چیز کار است و پول آن چند می شود:

- 1- جای سبز ۱ کیلو ۲۰۰ افغانی
- 2- روغن یک پیپ ۱۸۰۰ افغانی
- 3- برنج ۲۵ کیلویی یک بوجی ۱۶۰۰ افغانی
- 4- اُتو برقی روسی ۴۰۰ افغانی
- 5- پول نانوايي ۴۶۰۰ افغانی
- 6- پول برق ۱۲۰۰ افغانی
- 7- پیازونمک ودوای دیک ۵۰۰ افغانی
- 8- قلم و کتابچه به اطفال ۲۰۰ افغانی

اختلاف وکیل ها ولغو پروژه سرک غور - هرات

منبع خبر: رادیو آزادی

به اساس گزارش رادیو آزادی اختلاف میان شماری از نمایندگان غور برسر ایجاد شاهراه کلیدی، مردم این ولایت دور افتاده غرب افغانستان را از یک پروژه عمده بازسازی بی بهره ساخته است. حکومت جاپان تقریباً دوسال پیش وعده کرده بود که شاهراهی را به طول ۱۸۵ کیلومتر و با هزینه حدود ۱۰۰ میلیون دالر خواهد ساخت.

این شاهراه مسیر اصلی برای رشد اقتصادی غور از طریق وصل کردن آن با هرات، همسایه رو به رونق و بیشتر بازسازی شده اش، دانسته شده است. وزیر سابق فواید عامه افغانستان که این پروژه را یکی از اولویت های کلیدی حکومت می داند، می گوید که او حتی با التماس از نمایندگان غور در پارلمان افغانستان خواسته بود که این پروژه ملی را با مشکل رو به رو نسازند اما آنان به توافق نرسیدند. نجیب الله اوژن در صحبت تلفونی به رادیو آزادی گفت:

"مقصر همین وکلایی استند که بین خود سازش نکردند. این ها اگر وجداناً قضاوت کنند، من آنها را خواستم و گفتم که به صفت یک افغان حتی برای تان عذر می کنم که همین پروژه ملی را خراب نکنید. آنان در آن جا جوابی ندادند و نکردند این کار را."

آقای اوژن می گوید که اختلاف اصلی برسر مسیر عبور این جاده بوده است. او می افزاید که وزارت فواید عامه افغانستان مسیری را که از شش صدمتری منار جام می گذشت مناسب می دانست و کار دیزاین و پروژه سازی آن هم بیش از سه میلیون دالر هزینه برداشته است. خلیل احمد مبارز استاد دارالمعلمین عالی غور که از موضوع آگاه است به رادیو آزادی گفت، دو وکیل غور بیشتر از دیگران بر سر مسیر این جاده اختلاف داشته اند. وی در سخنان خود از کرام الدین رضا زاده و داکتر محمدابراهیم ملک زاده نام می گیرد که در مورد مسیر سرک اختلاف داشته اند اما، رضازاده این اتهامات را رد می کند. او در صحبت با رادیو آزادی می گوید که وکیلان غور هیچ گونه اختلاف نداشته اند و او مسوولیت را برگردن وزارت فواید عامه می اندازد. رادیو آزادی می گوید با وصف تلاش پیگیر و تماس های مکرر، نتوانستیم درین زمینه نظر سفارت جاپان را به دست بیاوریم. اما خانم رقیه نایل وکیل دیگر مردم غور در پارلمان از شکایت سفیر جاپان در حضور رئیس جمهور کرزئی به خاطر برخورد نامناسب در غور صحبت می کند و می گوید: «وقتی ما جستجو کردیم که کی این کار را کرده است، دانستیم.» او سپس از دو تن دیگر از وکلای غور نام می گیرد که در این موضوع دخیل بوده اند. خانم نایل اما نمی گوید که در این صورت خودشان به حیث وکیل غور، در این باره چه فعالیتی انجام داده است و چرا در برابر این حق تلفی خاموش بوده است.

9- مرگ موش ۳۰ افغانی

10- کفش TJJT برای خودم ۵۰۰ افغانی

جمله: ۱۱۰۳۰ (یازده هزار وسی) افغانی

بعدش فکر کردم که راستی دیگه چه چیز ضرورت داشتم؟ بعله: می خواستم به خودم دریشی نو هم بگیرم، جراب هایم هم غلیبل جور شده بود، کریم دندان ویورس نیز به خودم وبه خانه ضرورت بود. راستی صابون کالاشویی، شامپو، مایع ظرف شویی، جارو، یک جوړه لباس به فرشته، وسایل آرایش او، لباس برای بچه ها، وای خدای من دیگه چه کار بود؟ کم کم باید به فکر زمستان سرد چغچران هم باشم...

- سلام!

- سلام! تحویلدار صاحب بیا بیا خدایباریت، بیا بشی بتی که بیخی بخدا از دست قرضدارا دیوانه شدیم. ... ای هم یک پیاله جای!

- اینه بگیر ۱ ... ۲ ... ۳ ... چهارهزار وپانصد. اینه ای هم اضافی کاری ات جمله شد، پنج هزار ودوصد افغانی.

طرف لیست ضروریات خانه وقرض ها نگاه کردم،(یازده هزار وسی افغانی). وای خدای من. شامپو وصابون ولباس خودم و بچه و غیره و غیره چیزهای که نیازداشتیم چه میشه؟ ای خو تنها قرض نانوا را هم خلاص نمیکنه! پول برقه چه کار کنم؟ به بچه ها چه بگویم؟ جواب فرشته ره چه بدهم؟ می خواستم امشب کمی گوشت گوسفند بگیرم. کمی میوه هم ببرم. ترکاری بگیرم. چه کار کنم خدا!! از نرگس یادم آمد که صبح چه قدر خوشحال بود که بابا برابم شب لباس نو مکتب میاره. از تاکیده های میلاد یادم آمد که می گفت اگه کتابچه نیاری صبا به مکتب نمی روم. از گپ های فرشته یادم آمد که دیشب تا خواب رفت از عروسی دختر سیف الدین خان واز خانم های که لباس های مقبول پوشیده بودند قصه می کرد.از جراب های سوراخ سوراخ خودم یادم آمد. از بوجی برنجی یادم آمد که فقط برای امشب چیزی داخلش بود. از خیش خیش شبانه موش هایادم آمد واز ترسیدن های فرشته. یادم آمد که برق خانه امشب قطع است. یادم آمد که نانوا حتما شام سر راه ام رامی گیرد. تصور کردم که او بدون جنجال مرا رها نمی کند. میفامیدم که دکانداران از قالمقال ما بیرون میشوند و طرف ما می بینند. فکر کردم که شب فرشته حتما منتظر است که سهراب با تمام سودا مودا به خانه خواهد آمد. حیران شده بودم، دلم از دنیا سیر شده بود، دیگه کاری نمی توانستم، از جایم بالا شدم. شروع کردم به زدن سرم به روی دیوار دفتر. زدم و زدم و زدم چند بار زدم. دفعه آخر چشم هایم را بستم، و باتمام قدرت، پیشانی ام را به دیوار کوبیدم و بلند بلند چیغ کشیدم.

- وای چه شده سهراب؟ سهراب!... چه شده، ترسیدی؟

چشم هایم را باز کردم. فرشته کناربستم نشسته بود وسوراخ جیب کورتی کهنه ام را می دوخت

- آخ فرشته! چه خواب ترسناکی بود!

ناکامی حکومت وحدت ملی در صد روز نخست

معاذالله دولتی



صد روز نخست اصطلاحی است که در سال ۱۹۳۳ پس از آن که فرانکلین روزولت به حیث رییس جمهور ایالات متحده امریکا برگزیده شد، ابداع و وارد ادبیات سیاسی گردید. این اصطلاح برای اولین بار به تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۳۳ از طریق رادیو به گوش مردم رسید. روزولت از ۹ مارچ تا ۱۷ جون همان سال به مدت سه ونیم ماه که بعدها به عنوان «صد روز نخست» کار رییس جمهوری معروف شد، تغییرات و اصلاحات عمده‌ای را در عرصه‌های مختلف حکومت به وجود آورد. فرانکلین روزولت زمانی رییس جمهور امریکا شد که نرخ بی کاری در امریکا ۲۵ درصد و تورم ۱۰ درصد بود. رییس جمهور پیش از روزولت نیز نتوانسته بود از بروز بحران اقتصادی جلوگیری کند. روزولت به مردم امریکا وعده «طرحی نو» داد و در روزهای آغازین دوره ریاست جمهوری اش با کنگره امریکا روابط تنگاتنگی به وجود آورد تا بتواند ده‌ها اصلاحات ضروری را به تأیید آنها برساند. طرح نوین اصلاحات همه‌جانبه اقتصادی او که به سرعت مورد تصویب کنگره قرار گرفت، تمامی مشاغل و صنعت کشاورزی را در بر می‌گرفت و شامل تدابیری برای کمک به بی‌کاران و کسانی که در معرض خطر از دست دادن خانه و مزارع‌شان بودند، نیز می‌شد. روزولت برای بازگرداندن اعتماد از دست‌رفته مردم، با رویکرد جدید و برای اولین اقدام بانک‌ها را تعطیل و به‌خاطر بازسازی سیستم بانکی و نظارت از آن دست به کار شد. او طلا را به‌عنوان پشتوانه ارزی از اقتصاد کشور حذف کرد و برنامه جامعی برای بی‌کاران نیز در نظر گرفت. خلاصه «طرحی نو» که مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی روزولت بود، اقتصاد امریکا را در مسیر بازسازی قرار داد و ماهیت اقتصاد امریکا را به شدت متحول کرد. پس از آن «صد روز نخست» یگانه معیار برای ارزیابی عملکرد خوب و یا بد حکومت‌ها شد. البته منطقی است که صد روز برای ارزیابی عملکرد یک دولت زمان کافی به حساب نمی‌آید، ولی به لحاظ رویکردها می‌توان افاق‌ها را با همین صد روز تخمین زد و صد روز آغاز کار هر دولت را می‌توان خشت اول معماری دانست که تا ثریا هم می‌توان رفتار و عملکرد آن را پیش‌بینی و ارزیابی کرد. مینا و شاخص قضاوت نیز می‌تواند شعارها و وعده‌های داده شده از جانب نامزدان در زمان انتخابات باشد. پس از شکست بُن‌بست انتخابات و روی کار آمدن «حکومت وحدت ملی» در افغانستان، رییس جمهوری کشور در روز مراسم تحلیف (۷ میزان ۱۳۹۳) سخنرانی مفصلی ایراد و خطاب به مردم از برنامه‌های جدید اصلاحات در سه قوه دولت یادآوری کرد و اطمینان داد که به زودترین فرصت اصلاحات را در قوای قضاییه، مقننه و اجراییه به‌وجود خواهد آورد. او هم‌چنان به فساد گسترده در دستگاه‌های سه‌گانه اشاره کرد و وعده سپرد برای ریشه کن کردن فساد و ایجاد اصلاحات در کمیسیون‌های

انتخاباتی قدم‌های جدی برمی‌دارد. رییس جمهور غنی در سخنرانی روز مراسم تحلیف نیز تأکید کرد که وعده‌های داده شده به مردم در زمان انتخابات را عملی و برای تأمین امنیت، ایجاد ثبات و اعاده صلح در کشور تلاش می‌کند. اما در حالی که از هفتم میزان روز مراسم تحلیف و انتقال قدرت سیاسی به حکومت وحدت ملی تا کنون ۹۰ روز می‌گذرد، آیا گام‌های اولیه برای انجام وعده‌های داده شده به مردم برداشته شده که ملت را به دورنمای عملکرد حکومت وحدت ملی امیدوار سازد؟ می‌خواهم به مواردی که توسط حکومت وحدت ملی انجام شده و هم‌چنان به مواردی که تاکنون انجام نشده، اشاره کنم و سپس در معرض قضاوت مردم قرار دهم تا از گذاشتن خشت اول معمار، به دورنمای آینده‌شان وقوف حاصل کنند: ۱- حکومت وحدت ملی در هفته اول حکومت «قرارداد امنیتی» که حضور نیروهای خارجی را پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان مشخص می‌سازد، با ایالات متحده و سازمان ناتو به امضا رسانده؛ ۲- فرمان بازگشایی پرونده فساد کلان مالی کابل بانک صادر و تا حدودی قضیه پیگیری شد؛ هرچند گفته می‌شود عاملان اصلی بحران کابل بانک هنوز نه تنها گرفتار نشده بلکه در پست‌های بلند دولتی کار می‌کنند. ۳- سرعت اقدامات برای بازدید از برخی نهادهای حکومت و غافل‌گیر کردن مسوولان بی‌کفایت از جانب رییس جمهوری، از گام‌هایی است که از جانب حکومت به نفع مردم برداشته شده است؛ ۴- سران حکومت به‌عنوان چهره‌های جدید حکومت وحدت ملی در کنفرانس لندن و بروکسل شرکت کردند و در نتیجه تعهد کشورهای عضو ناتو به ادامه همکاری به افغانستان در یک ماموریت جدید جلب گردید. هم‌چنان در کنفرانس لندن تجدید تعهد کمک ۱۶ میلیارد دلاری جامعه جهانی به افغانستان حاصل شد. ۵- سفر رییس جمهور غنی به چین و شرکت رییس اجراییه در جلسه شانگهای نیز خالی از سود نبوده و در جهت حصول منافع ملی گام‌های ارزنده به حساب می‌آیند. ۶- سفر رییس جمهوری به پاکستان و گفتگوی وی با سران حکومت آن کشور را نیز می‌توان حد اقل آغاز گفتگوهای جدید برای آوردن صلح و کشاندن طالبان به پروسه صلح به همکاری پاکستان تعبیر کرد. در کنار این مسایل اما کارهای بنیادی و اساسی که باید از جانب حکومت وحدت ملی با سرعت انجام می‌شد، تاکنون متأسفانه محقق نگردیده است: ۱- امنیت به‌عنوان عنصر مهم زندگی انسان‌ها، نه تنها در کشور بهبود نیافت بلکه دیده می‌شود برنامه و استراتژی لازم برای تأمین امنیت نیز در دست اجرا نیست. در دوران حکومت جدید چه در ولایات و چه در مرکز، تلفات نظامیان و غیرنظامیان به شدت افزایش یافته و روزانه ده‌ها نفر در کشور جان‌شان را از دست می‌دهند. انفجار و انتحار اکنون به مشغله روزمره مردم کابل تبدیل شده و روزی نیست که در کابل پایتخت، اطفال و زنان و غیرنظامیان کشته و یا زخمی نشوند. در آمارگیری یکی از رسانه‌ها گفته شده که به مدت ۱۴ روز، ۱۰ حمله انتحاری در کابل صورت گرفته که تلفات جانی و خسارات مالی در پی داشته است. امروز هر شهروند کابلی از ترور و انتحار به شدت در هراس است و حتی مامور دولت نیز هر لحظه جانش را در خطر ترور می‌بیند. مردم به‌صورت عموم نگرانی دارند. ۲- اقتصاد کشور متأسفانه رو به رکود گذاشته و بی‌کاری در افغانستان بیداد می‌کند. به‌دلیل نبود امنیت، سرمایه‌گذارها از افغانستان فرار کرده و تجار نیز جرات نمی‌کنند روی کارهای زیربنایی سرمایه‌گذاری کنند. گرانی بهای کالا روبه‌صعود بوده و هیچ نهادی برای کنترل قیمت مسوولیت نمی‌گیرد. در کل از نظر اقتصادی مردم با دشواری‌های بزرگی روبه‌رو هستند. ۳- در مورد آوردن اصلاحات سریع در کمیسیون‌های انتخابات و تنظیم بهتر نظام انتخاباتی کشور که به‌عنوان یکی از اولویت‌های کاری هردو نامزد در توافق‌نامه سیاسی به آن تأکید شده است نیز تا هنوز کاری انجام نشده و کوچک‌ترین گام آغازین هم در این مورد از جانب حکومت وحدت ملی برداشته نشده است. با توجه به افضاحی که در انتخابات ریاست جمهوری به‌وجود آمد و کمیسیون‌ها نتوانستند نامزد برنده و بازنده را اعلام کنند، مردم به هیچ‌وجه اطمینان ندارند که در انتخابات قریب‌الوقوع «مجلس نمایندگان» از رای‌شان حراست می‌شود. ۴- یکی از مسایلی که حکومت وحدت ملی برای تأمین شفافیت در انتخابات‌های آینده بدان تأکید کرده بود، توزیع تذکره‌های الکترونیک بود. اما تاکنون نه تنها گامی عملی در این مورد برداشته نشده، بلکه به‌خاطر رفع اختلافات در مورد گنج‌اندیدن «قومیت» در تذکره‌ها، قانون توشیح شده از جانب رییس جمهوری برای بازنگری مجدد به دادگاه عالی و پارلمان کشور فرستاده شده است. ۵- از همه مهم‌تر «کابینه جدید» که می‌توانست به‌عنوان گام نخست، مبنای اجرای سایر امور حکومت وحدت ملی باشد، متأسفانه تا هنوز تشکیل نشده است. تاخیر در اعلام تشکیل کابینه از همین حالا انبوهی از مشکلات را به‌وجود آورده و تا حدودی مردم را به آینده‌شان ناامید ساخته است. عدم شکل‌گیری کابینه، سبب شده که مردم در خلای قدرت به سر ببرند و فرصت‌طلبان با استفاده از فضای به‌وجود آمده تلاش می‌کنند به نفع شخصی و به ضرر مردم، آخرین میخ را بر تابوت نظامی به ارث مانده از رییس جمهور کزری بکوبند. ۶- در مورد برچیدن فساد گسترده در دستگاه دولت که میراث نظام ۱۳ ساله می‌باشد و هر دو نامزد نیز چه در زمان انتخابات و چه در «توافق‌نامه سیاسی»‌شان وعده آن را داده بودند که با جدیت به آن مبارزه می‌کنند، تا هنوز اقدام عملی صورت نگرفته است. برخلاف از مدتی که وزارت‌ها با سرپرته‌ها اداره می‌شود، دامنه فساد و سوءاستفاده‌ها به‌دلیل عدم نظارت جدی، گسترده‌تر شده است. با چنین وضعیتی از همین اکنون می‌توان آینده عملکرد حکومت وحدت ملی را تا حدودی تخمین زد. این که حکومت جدید می‌تواند در پنج سال آینده وعده‌های داده شده به مردم از جانب هر دو نامزد را عملی کند یا خیر و این که حکومت می‌تواند ثبات را تأمین، اقتصاد کشور را تقویت، فساد را ریشه کن و در اداره دولت اصلاحات به‌وجود آورد، سوال‌هایی‌اند که گذشت زمان به آن پاسخ خواهد داد.

استاد شاداب رییس شورای جوانان غور شد

عبدالقیوم شاداب استاد دانشگاه غور و رییس بنیاد جوانان و تحصیلکردگان اخیراً طی انتخاباتی در ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت غور به عنوان رییس شورای جوانان ولایت غور انتخاب شد. در این انتخابات سه تن هریک عبدالقیوم شاداب، غلام رسول روستایی و قیس خادم اشتراک نموده بودند که استاد شاداب با گرفتن 52 رای برنده انتخابات شد و غلام رسول روستایی با گرفتن 44 رای و قیس خادم با گرفتن 9 رای از استاد شاداب عقب افتادند. در این انتخابات همچنان فاطمه احسانی به حیث معاون و انجنر عارف عابد به عنوان منشی برگزیده شدند. شورای جوانان دو سال قبل از جانب معینیت جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ در چوکات مدیریت جوانان ولایت غور تأسیس شده بود که به صورت مستقلانه کارهای خویش را به پیش می‌برد و استاد عبدالغنی جامع در یک انتخابات به عنوان اولین رییس آن انتخاب شده بود.

فارغ التحصیلی جوانان و مشکل بیکاری

در سال روان خورشیدی تعداد کثیری از جوانان غوری از رشته‌های مختلف دانشگاهی در سرتاسر افغانستان فارغ التحصیل شدند. این رویداد به ذات خود یک امر نیکو و غنیمت بزرگی هست که باید قدر آن را دانست و خوشحال بود. با این وجود مشکل بیکاری در ولایت غور با توجه به زمینه‌های بسیار ناچیز و اندک کارایی موضوعی است که باید مقامات حکومتی، نهادهای جوانان و مردم غور در مورد آن راه حل مناسبی جست‌وجو نمایند. در حال حاضر تعداد کثیری از افراد غیر تحصیل‌کرده یا حداکثر 12 پاس در ادارات مختلف دولتی و غیر دولتی ایفای وظیفه می‌کنند که این موضوع به بالا رفتن ارتقای ظرفیت مامورین دولت کمکی نکرده است. از جانب دیگر گفته می‌شود که تعدادی از پست‌های دولتی به دلایل روابط قومی و گروهی به افراد خاص داده می‌شود و جوانان تحصیل‌کرده و مستعد در آن پست‌ها راه پیدا نمی‌کنند. نداشتن تجربه کاری یکی دیگر از موانعی است که سر راه جوانان قرار دارد. اکثر شغل‌های دولتی حد اقل به سه سال سابقه کاری نیاز دارد و طبیعی است جوانانی که تازه فراغت حاصل کرده‌اند از این تجربه بی‌بهره باشند و نتوانند به آن پست خودشان را نامزد نمایند.

روی هم‌رفته این مشکل سر راه جوانان قرار دارد و خوب است که از همین حالا چاره‌ای برای آن سنجیده شود. تحصیلکردگان دیگر ولایات باتوجه به اینکه در وزارت خانه‌ها از خودشان وزیر و معین و رییس دارند به ولایت خویش نمی‌روند و از فرصت‌های کارایی در کابل و پایتخت برای خودشان استفاده می‌کنند. غوری‌ها از این شرایط نیز محروم هستند و تلاش می‌کنند که بعد از فراغت به محل زندگی خود بروند و مصدر خدمتی شوند اما چون در آن محل شرایط برای کار کردن مهیا نیست، جوانان بیکار می‌مانند و مشکلات بسیاری را تحمل می‌کنند.



زموڼو د دولت بريا بريا ده موفقيت دولت ما موفقيت ما است



نصير آژند

خدایا!!

من اینجا بس دلم تنگ است

وهرسازی که می بینم بد آهنگ است

بیا، ره توشه برداریم

قدم در راه بی برگشت بگذاریم

ببینیم هر کجا آسمان آیا همین رنگ است؟

غوری ها از کمپاین ها و دويدن ها چه به دست آوردند؟

غوری ها در انتخابات های گذشته و مخصوصا انتخابات اخیر، به شدت از تیم های انتخاباتی حمایت کردند و به نفع آنها کمپاین کردند و حتی به این خاطر میان مردم و میان بزرگان اختلاف ها و کینه و کدورت های هم ایجاد شد اما؛ نتیجه و حاصل آن همه تلاش و تکاپو چه شد و غوری ها چه به دست آوردند؟

شنیده می شود که نه تیم اصلاحات و همگرایی و نه هم تیم تغییر و تحول برای غوری ها اهمیت شایسته ای قابل هستند. غور یکی از ولایاتی بود که برای هر دو تیم، رای بسیار بلندی تقدیم کردند اما؛ هیچ تیمی برای غوری ها نه وزارت در نظر گرفته است، نه معینیت و نه حتی سفارت و ریاست و ولایت. این تجربه باید برای غوری ها، درسی شده باشد که در آینده به خاطر دیگران میان خود شان مشکل خلق نکنند و کوشش کنند که منافع عام غور را در نظر بگیرند و به خاطر انتخابات و وعده های دروغ نامزدان میان مردم عزیز غور اختلاف و کینه و کدورت ایجاد نکنند. طوری که تا حال دیده شده، مردمان دیگر ولایات به خاطر وزارت و معینیت و مقام های بلند باهم رقابت دارند و از راه های مختلف حق خود را می گیرند و حتی اگر از جناح های مختلف سهم بگیرند، باز هم داخل باهم اتحاد و هماهنگی دارند و اختلافات شان همه تمثیل و تشارت است تا سهم بیشتری بگیرند. ما باید از آنها یاد بگیریم و حواس مان را جمع کنیم.

جام جهانی موشک / الکین

خان محمد سیلاب

هفته گذشته مسابقه هیجانی فینال بین تیم های روشن کننده خانه ها، توسط آمریت برق غور برگزار شده بود که چراغ موشک و سولر به خاطر سرمای شدید زمستان و راهبندان شدید شرکت نکردند و مسابقه تنها بین الکین و برق جنراتور برگزار گردید. در این رقابت بی دریغ، در نهایت بعد از تلاش های نفس گیر الکین با داشتن روشنی بیشتر و همیشه به دسترس بودن مقام اول را کسب کرد و توسط جناب انجینیر محمد یاسین آمر برق ولایت غور برنده اعلان گردید و کپ قهرمانی با حضور مقام محترم ولایت، قوماندانی امنیه و شورای ولایتی و دیگر مقامات ارشد، به دسته اش آویخته گردید. البته جای افتخار است که ولایت غور در این مسابقات باز هم رکورد را به نام خود قایم نموده و در سطح جهان در مسابقات «الکین لایتینگ» جایگاه نخست را کسب نموده است.



۰۷۹۹۳۰۱۲۱۲

۰۷۹۸۲۲۰۱۲۲

۲۱

دو هفته نامه

نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان

صاحب امتیاز:

نبی ساقی

مدیر مسوول:

محمد حسن حکیمی

سر دبیر:

تیمور شاه احمدی

خبرنگار:

خان محمد سیلاب

دیزاین:

۲۰۰۰

شماره گان:

معاذالله دولتی، سید علی مشفق، دین محمد شکیب

گروه نویسندگان:

حییب سرود، نصیر آژند و محمد حسین نبی زاده

n.saqee@gmail.com

آدرس الکترونیکی:

آدرس: فیروز کوه، کوچه هلال احمر، نهاد اجتماعی و انکشاف ملی جوانان افغانستان.